

مراحل تحوّل نقش زنان در مسیر تاریخ دیانت بهائی از کشف حجاب تا برابری کامل حقوقی

فرح دوستدار

در طول تاریخ دیانت بهائی پدیده‌ای به نام جنبش زنان وجود ندارد زیرا دستیابی به برابری حقوقی و لزوم شرکت زنان در تمامی سطوح جامعه یکی از آموزه‌های محوری این آئین نوظهور است که بطور منظم و روشمند در طول ۱۷۸ سال گذشته در جوامع مختلف بهائی در سراسر جهان مرحله به مرحله به اجرا در آمده و پیوسته در حال تکامل است. این تحوّل بنیادین بوسیله سه گام اساسی و در طی پنج دوره تاریخی به آرامی مسیر خود را بسوی برابری کامل حقوق زنان با مردان طی می‌کند. با توجه به این واقعیت که جوامع بهائی در نقاط مختلف جهان در بستر فرهنگ‌های گوناگونی در حال رشدند، میزان پیشرفت نقش زنان نیز در این فرهنگ‌ها متفاوت است. بدون توجه به اینکه زنان بهائی در جوامع مختلف در چه مرحله‌ای از پیشرفت باشند مسیر حرکت آنها در تحت سه گام اساسی قرار دارد:

گام اول: تحوّل ارزش‌ها به معنی نقض تعالیم تبعیض‌آمیز ادیان گذشته با ظهور آئین بابی و سپس بهائی و اعلان طلوع عصر نوینی بر مبنای عدالت و برابری ارزش انسان‌ها که از سال ۱۸۴۴ میلادی آغاز گردید. شارع دیانت بهائی برابری ارزش و حقوق زنان با مردان را صراحتاً به عنوان یکی از تعالیم محوری خود اعلام می‌کند. سپس حضرت عبدالبهاء در مکاتیب و خطابه‌های خود این تعالیم را به تفصیل تشریح نموده و شرکت کامل زنان در تمامی عرصه‌ها و سازمان‌ها را شرط تعادل اجتماعی و برقراری صلح در جهان قلمداد می‌کنند. در مکاتبات متعددی حضرت عبدالبهاء زنان بهائی ممالک شرقی و غربی را مخاطب قرار داده و بنا به موقعیت اجتماعی آنان هریک را بنحوی در راه پیشرفت یاری می‌دهند. پس از ایشان حضرت ولی امرالله این خط مشی را دنبال کرده و رفته رفته و با در نظر گرفتن حکمت و شرایط جوامع مختلف، موقعیت زنان را در نظام اداری بهائی تحکیم می‌بخشند.

گام دوم: ایجاد تحوّل فکری در مردان و آماده ساختن آنان جهت پذیرفتن اهمیت شرکت زنان در بنیان نهادن فرهنگی نوین. تحوّل نقش زنان در تمامی فرهنگ‌ها با مقاومت مردان رو به رو بوده و هم اکنون نیز در جوامع استبدادی و غیردموکراتیک، مردان بزرگترین سدّ راه آزادی و برابری زنان بشمار می‌آیند. احکام و روایات دینی ادیان قدیمی و سنت‌ها نیز در

طول هزاران سال به برتری مردان مشروعیت بخشیده. مردانی که در آغاز تاریخ دیانت بهائی به این آئین نوظهور ایمان آوردند تعالیم انقلابی نظیر ترک تعصبات، شناخت ارزش انسان‌ها بدون توجه به جنسیت، نژاد و سایر تفاوت‌ها را در سرلوحه اعتقادات خود قرار دادند. در عمل، این تحوّل نظر به الزامات فرهنگی جامعه به آرامی و مرحله به مرحله صورت گرفت.

گام سوم: آموزش و تعلیم و تربیت دختران و زنان جهت کسب توانایی برابری با مردان. در جوامع سنتی در مواردی استثنائی پدران صاحب فضل و کمال دختران خود را در آموختن سواد و کسب فضائل یاری می‌دادند ولی بطور عموم در ایران در صد و پنجاه سال پیش، مانند بسیاری از نقاط دیگر جهان، زنان در بی‌سوادی و دور از هرگونه آموزشی به سر می‌بردند. نقش زن در اندرون خانه و در پرورش فرزندان خلاصه می‌شد. طبق تعالیم بهائی آموختن سواد و کسب علم و کمالات بر زنان و دختران واجب گردید. احکام بهائی سوادآموزی و تعلیم و تربیت دختران را ارجحیت داد با این استدلال که مادر بعنوان اولین مربی کودک باید دانا و عالم باشد.

به این ترتیب فرایند آزادی و برابری حقوقی زنان در جامعه بهائی بدون آنکه نیازی به طغیان و جنبش زنان داشته باشد و بدون مقاومت و مخالفت مردان از سه جهت تقویت گردید: ۱- از سطح بالای جامعه بوسیله مؤسسين این آیین و اشاعه تعالیم و احکام جدیدی که نقش زن را تحوّل بخشید و راه را جهت ورود او به جامعه هموار ساخت. ۲- عدم مخالفت و همکاری مردان بهائی که به ارزش‌های نوین باور داشتند و با وجود شرایط سخت محیط خارج که زنان را پیوسته در خانه‌هایشان حبس می‌کرد رفته رفته رفتار خود را تغییر داده و موجبات آموزش سواد و تعلیم و تربیت دختران و زنان خود را فراهم نمودند. ۳- تحوّل فکری زنان که با باور به احکام و تعالیم جدید شهامت یافته و در کسب توانایی‌های جدید کوشا گشتند.

این سه گام در پنج مرحله تاریخی راه را جهت تحوّل نقش زنان هموار ساخت. تعالیم بهائی در زمینه نقش زنان از خواسته‌های جنبش‌های زنان فراتر می‌رود. هدف نهائی آن تنها آزادی و برابری حقوقی نیست. به باور بهائیان، شرکت و همکاری زنان با مردان در تمامی زمینه‌ها موجب تعادل فرهنگی و دستیابی به صلح پایدار خواهد گردید. بفرموده حضرت عبدالبهاء تساوی کامل زنان موجب می‌گردد که مردان به کمالی که شایسته آنان است دست یابند.

در جامعه اسلامی و سنتی ایران خواسته‌های آزادی طلبی و احقاق حقوق زنان با چالش‌های فراوانی روبرو بود. پیش‌گامان جنبش زنان با وجود اعتبار سنت‌های دست و پاگیر و قوانین تبعیض‌آمیز و مخالفت و مقاومت شدید اکثریت مردان مسلمان، مبارزات خود را همزمان با انقلاب مشروطیت آغاز کرده و بصورت سازمان یافته فعال گشتند. پس از تشکیل مجلس اول

در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی "انجمن حریت نسوان" یا "انجمن آزادی زنان" در سال ۱۲۸۶ تشکیل گردید. این جنبش همانند سایر جنبش‌های اجتماعی آن دوران توسط گروهی از زنان ناراضی از وضع موجود و به علت موقعیت فرودست بودن زنان در جامعه قشری و واپس‌گرایی اسلامی ایران، شکل گرفت. با وجود دستیابی به بسیاری از حقوق در دوران سلسله پهلوی، با انقلاب اسلامی موقعیت زنان به عقب رانده شد. سنت‌های کهنه و ارزش‌هایی که متعلق به دوران بدویت اعراب است دوباره در ایران احیاء گردید، بدون توجه به این واقعیت که سیل خروشان تحولات زمان را نمی‌توان با پوشال سنت‌های عتیقه و نابهنگام متوقف ساخت.

با وجود دست‌آوردهای چشمگیر جنبش زنان ایران خصوصاً در زمینه تحصیلات و توانمندی‌ها در یک قرن گذشته، در مقایسه با روند احقاق حقوق زنان در جامعه بهائی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که نبود دو عامل مهم مانع اصلی و سد راه احقاق حقوق زنان در ایران است: ۱ - عدم تحوّل ارزش‌ها و پایداری بندگی به سنت‌هایی که با روح زمان سازگار نیست. ۲ - عدم تحوّل فکری اکثریت مردان مسلمان خصوصاً رهبران دینی. در حالی که بسیاری از زنان ایرانی با زمانه پیش رفته و به تحصیلات بالا دست یافته‌اند و از پشتیبانی گروهی از مردان برخوردارند، صاحبان قدرت با اعمال خشونت و جبر ارزش‌های عتیقه را پاسداری می‌کنند. سیر تاریخی تحوّل نقش زنان را در جامعه بهائی می‌توان در پنج مرحله دنبال کرد:

مرحله اول: دوران حضرت باب، قیام دلیرانه

در محور تفکر حضرت باب اصل تغییر و تجدید قرار دارد. در حالی که مسلمانان بر این عقیده‌اند که با ظهور موعود اسلام قوانین جدیدی وضع نخواهد شد بلکه مردم به اصل شریعت الله باز خواهند گشت و آنرا با تمام و کمال اجرا خواهند کرد، حضرت باب این طرز تفکر را می‌شکند. آثار اولیه ایشان گویای این است که بزودی تمام امور دنیا تغییر خواهد یافت. برخلاف نظریه رایج در بین مسلمانان وی اعلام می‌کند که در دین و ارزش‌های مدوّن آن نیز نوآوری ممکن است. در هر ظهوری احکام و سنن قبلی نسخ و اصول و احکام جدیدی وضع می‌گردد.

یکی از ابعاد پایه‌ای این تجدد، برابری انسان‌ها و تحوّل موقعیت زنان است. بی‌تردید در جامعه به شدت سنتی و قشری آن دوران که زن کوچکترین نقش اجتماعی نداشت، صحبت از برابری نمی‌توانست مطرح گردد. نقطه آغاز این تحوّل، حرکت دلیرانه کشف نقاب در جمع مردان بوسیله طاهره قرة العین بود. این عمل او رفتاری خودسرانه نبود بلکه در احتفال بدشت با قرار قبلی بین او و حضرت بهاء‌الله و جناب قدّوس که در آن زمان هر دو از مؤمنین حضرت باب به حساب می‌آمدند صورت گرفت. به این وسیله استقلال آئین

باب از اسلام و نسخ تعالیم قدیم اعلام و تحوّل نقش زن، نماد عصر جدید و تحوّل ارزش‌های اجتماعی گردید.

حضرت اعلی در بیانات مختلفی بزرگداشت مقام زنان را از واجبات عنوان می‌کنند. در "سورة الاخلاق" می‌فرمایند که خداوند بین زن و مرد فرقی نگذاشته. ترجمه بیان ایشان به فارسی به نقل از کتاب "مقام و حقوق زن در دیانت بهائی" صفحه ۵۴ چنین است: "خداوند نساء را بر شما حلال فرموده ... باید آنها را عزیز و محترم شمرده تکریم و تعظیمشان نمائید تا نزد خدا از مقبلین باشید و بدانید که خداوند فرقی بین شما و نسوان قرار نداده مگر اینکه شما مثل پای راست و آنها مثل پای چپ هستند." در "صحیفه عدلیه" (صفحه ۳۸) که یکی از آثار اولیه ایشان است می‌فرمایند: "وسلوک کن با نساء خود به احسن سبیل محبت. که نساء مؤمنه اوراق شجره کافورند در جنت. و میازار ایشان را به طرف عینی که به قدر همین طرف محبوب از حکم الله خواهی بود." در کتاب بیان فارسی (باب نوزدهم از واحد چهارم) می‌فرمایند محبت به همسر و اطفال بزرگترین عبادت خدا است. در همین کتاب (باب دهم از واحد هشتم) سخن و نگاه و همنشینی را بین زن و مرد بایی مجاز می‌دانند. در لوح "هیکل الدین" (باب هفتم از واحد هشتم) می‌فرمایند که نسوان در وقت ادای نماز مجبور نیستند موهای خود را بپوشانند. و این مطلب خود می‌تواند دلیل بر لغو حکم حجاب باشد. هریک از توصیه‌ها و تعالیم حضرت اعلی در مورد زنان در نوع خود انقلابی و شکستن سنت‌ها بود.

طاهره تنها زن برجسته این دوران نبود. بوسیله او تعداد زیادی از زنان به آئین جدید گرویدند. اولین زنی که در کربلا مؤمن شد همسر شیرازی سید کاظم رشتی بود. جمعی از زنان در مجلس درس طاهره شرکت می‌کردند از جمله کسانی که به این وسیله به حضرت باب ایمان آوردند مادر و خواهر ملا حسین بشرویه بودند. خواهر جناب ملاحسین، بی بی کوچک ملقب به ورقه الفردوس به این گروه پیوست و موجب شد که خورشید بیگم ملقب به شمس الضحی، همسر آقا میرزا هادی نهری، به محضر طاهره راه یافته و به اوج ایمان رسد. این گروه زنان با کمال شجاعت و در نهایت فصاحت و بلاغت آئین باب را نشر می‌دادند. از کارهای انقلابی آن دوران چنانچه در تاریخ سمندر آورده شده آنست که این زنان روز اول محرم را که مصادف با روز تولد حضرت باب است بجای عزاداری بمناسبت شهادت امام حسین آنرا بعنوان روز میلاد حضرت باب جشن می‌گرفتند. برخلاف رسم همه ساله، قره العین و خواهرش در آن روز حنا استعمال نموده و لباس‌های رنگین پوشیده و استفاده قلیان را که در آثار باب مذموم و مکروه قلمداد شده از مجلس دور می‌ساختند.^۱ شجاعت زنان بایی را در لابلای تاریخ این زمان می‌توان مطالعه نمود. در واقعه زنجان زن شجاعی به نام زینب ملقب به

رستمعلی لباس مردانه پوشیده و به دفاع از مؤمنینی که در قلعه علیمراد خان محاصره شده بودند می‌پردازد.^۲ سایر زنان بابی زنجان نیز همگام با شوهرانشان از آئین جدید دفاع می‌کردند از جمله آنان عنبرخانم ملقب به ام اشرف است.^۳ با انتشار افکار باب در سطح وسیعی از جامعه ایران، ذهنیت مردانی که به این آئین گرویده بودند پذیرای آموزه‌های جدید می‌گردد. از جمله آنها تحوّل نقش زن بود که با تمام سختی‌هایش می‌بایست پذیرفته شود.

مرحله دوم: دوران حضرت بهاءالله، اعلان برابری زنان با مردان به عنوان حکمی اخلاقی و دینی

برابری و یگانگی نوع بشر اساس اعتقادات بهائی را تشکیل می‌دهد. پیام حضرت بهاءالله خطاب به اهل عالم است که: "سرپرده یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید...". "همه باریک دارید و برگ یک شاخسار...". "عالم یک وطن محسوب و من علی الارض اهل آن...".^۴ علاوه بر برابری انسان‌ها، تساوی بین زن و مرد نیز در آثار حضرت بهاءالله صریحاً اعلام می‌گردد، چنانکه می‌فرمایند: "قلم اعلی فرق مابین عباد و اماء را از میان برداشته و کلّ را در صُقع واحد بعنایت کامله و رحمت منبسطه مقّر و مقام عطا فرمود"^۵

یکی از رموز و اشاره‌های مهمی که در آثار حضرت بهاءالله تکرار می‌گردد عنوان این مطلب است که "امروز هر یک از اماء که به عرفان مقصود عالمیان فائز شد او در کتاب الهی از رجال محسوب"^۶ و یا در این بیان "امروز اماءالله از رجال محسوب طوبی لهنّ و نعیماً لهنّ"^۷.

دوران حیات حضرت حضرت بهاءالله (۱۸۹۲-۱۸۱۷) مقارن است با دوران قاجاریه در ایران. در این دوران هنوز نشانه‌ای از جنبش آزادی‌خواهی زنان وجود ندارد. یکی از اولین انتشاراتی که از فرودستی و نارضایتی وضع زنان سخن می‌راند کتاب "معایب رجال" نوشته بی بی خانم استرآبادی است که در سال ۱۸۹۶ منتشر می‌شود.

پس از شهادت حضرت اعلی و به دنبال آن کشتار وسیع بابیان، افراد باقیمانده به صورت پنهان فرائض دینی خود را اجرا می‌کردند. با اظهار امر حضرت بهاءالله و ارسال الواح و آثارشان به ایران، در نحوه زندگی بهائیان، نسبت به جامعه سنتی ایران و حتی جامعه بابی، تحوّل بزرگی ایجاد گردید. تعالیم جدیدی مانند اهمیت تربیت دختران، قوانین ازدواج و طلاق، منع ازدواج موقت، رفتار عطف‌آمیز و عادلانه نسبت به همسر، تک همسری که مرحله به مرحله ابتدا به دو همسر تقلیل یافته و سپس از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم با تفسیر حضرت عبدالبهاء به تک همسری تبدیل شد، و توصیه‌هایی مانند وحدت نوع بشر و اجرای عدالت در حق همه انسان‌ها و از این قبیل در درون جامعه بهائی انقلاب فکری عظیمی ایجاد کرد. از آنجا

که بهائیان جزئی از جامعه ایران بودند بدون تردید انعکاس افکار بهائی بسیاری از ایرانیان روشندل را نیز متأثر ساخته که شایسته است در این زمینه تحقیقاتی صورت گیرد.

در باره تحوّل نقش زنان در درون جامعه بهائی تاریخچه مدوّنی وجود ندارد و باید آنرا از متون تاریخ بهائی استخراج نمود. شرح حال زنان نامدار بهائی^۸ نشان می‌دهد که چگونه زنان متعددی در هنگامی که تشکیلات بهائی بصورت کنونی شکل نگرفته بودند رهبری و هدایت جوامع بهائی را در روستاها و نقاط مختلف به عهده می‌گرفتند و در اشاعه این دیانت نوظهور فعال بودند. اجتماعات زنان و سوادآموزی در این دوران در منازل و در گروه‌های کوچک صورت می‌گرفت.

مرحله سوم: دوران حضرت عبدالبهاء، راهنمایی و دفاع از حقوق زنان

در شرق و غرب

پس از صعود حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء در تشریح نقش زنان و اهمّیت تعلیم تساوی حقوقی آنان و نحوه اجرای آن در جوامع بهائی نقش به سزائی داشتند. در دوران ایشان جوامع بهائی در ممالک غربی و شرق آسیا نیز مستقر گردید. تاریخچه این دوران و مکاتیب و خطابه‌های بی‌شمار ایشان نشان می‌دهد که تا چه حد به مسئله پیشرفت زنان اهمّیت می‌دادند و چگونه بوسیله تعداد بیشماری از زنان با کفایت غربی که به این آئین گرویده بودند و اعزام آنان به ایران سعی در بهبود موقعیت زنان ایرانی می‌نمودند.

در سال ۱۸۹۴ اولین امریکائی بنام تورنتون چیس Thornton Chase به آئین بهائی گروید. در سال‌های بعد در آن سرزمین تعداد زیادی از زنان به این آئین ایمان آوردند. تعلیم صلح آمیز و برابری حقوقی زنان با مردان در جذب این زنان نقش مؤثری داشت.

حضرت عبدالبهاء در این دوران از سوئی به تشریح و تفسیر نقش زنان و لزوم شرکت آنان در کلیه امور اجتماع می‌پردازند. خصوصاً در سفرهای خود به اروپا و امریکا در سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۳ خطاباتشان موجب دلگرمی و فعال شدن زنان بهائی در امریکا و اروپا می‌گردد. از سوی دیگر با تشویق و درخواست ایشان بسیاری از زنان تحصیل کرده غربی که طیب یا معلّم یا مدیر مدارس بودند به ایران سفر کرده و بکمک خواهران ایرانی خود می‌شتابند و در معالجه زنان که در آن زمان به اطّابای مرد مراجعه نمی‌کردند و یا احداث مدارس دخترانه و یا کمک به تشکیلات بهائی و سایر امور کمک نموده و موجب تشویق و پیشرفت زنان بهائی می‌گردند.^۹

حضرت عبدالبهاء در خطابات خود برابری کامل زنان با مردان را هدف غائی و لازمه تکامل جامعه انسانی اعلام می‌کنند:

"... نساء و رجال کلّ در حقوق مساوی به هیچ وجه امتیازی در میان نیست. زیرا جمیع انسانند فقط احتیاج به تربیت دارند اگر نساء مانند رجال

تربیت شوند هیچ شبهه‌ای نیست که امتیازی نخواهد ماند. زیرا عالم انسانی مانند طیور محتاج به دو جناح است یک اناث و یکی ذکور. مرغ با یک بال پرواز نتواند نقص یک بال سبب وبال دیگر است. عالم بشر عبارت از دو دست است چون دستی ناقص ماند دست کامل هم از وظیفه خویش باز ماند. خدا جمیع بشر را خلق کرده جمیع را عقل و دانش عنایت فرموده و جمیع را دو چشم و دو گوش داده دو دست و دو پا عطا کرده در میان امتیازی نگذارده است. لہذا چرا باید نساء از رجال پست تر باشند؟ عدالت الهی قبول نمی‌کند عدل الهی کل را مساوی خلق فرموده در نزد خدا ذکور و اناثی نیست هر کس قلبش پاک تر عملش بهتر در نزد خدا مقبول تر خواه زن باشد خواه مرد." (خطابات حضرت عبدالبہا - جلد ۲: صفحه ۱۳۴)

علاوه بر خطابات، در مکاتیبشان نیز که بالغ بر چند صد مکتوب در این زمینه است، حضرت عبدالبہاء نشان می‌دهند که تا چه حد پیشرفت زنان در مسیر آزادی و برابری حائز اهمیت است. جلد ہفتم مکاتیب عبدالبہاء حاوی تعدادی از این مراسلات است. هدف و برنامه حضرت عبدالبہاء را می‌توان در چند نکته که در اکثر این مکاتیب تکرار می‌شود دنبال کرد:

- آگاہ نمودن زنان بهائی به اهمیت مقام و نقش آنان و فضلی که در این عصر و در این آیین به آنها ارزانی شده.

- تشویق زنان به فعالیت و تشکیل کلاس‌ها و جلسات خصوصاً در زمینه تزئین معلومات و رساندن پیام عدل و دوستی به سایر زنان.

- توصیه به بانوان بهائی که " به نهایت حکمت حرکت کنند نوعی نمایند که عربده و های و هوئی در شهر افتد" (مکاتیب جلد ہفتم صفحه ۲۰۵)

- با وجود صریح و روشن بودن تعالیم بهائی در زمینه برابری حقوقی زنان و نقش آنان در برقراری صلح در جهان و لزوم فعالیت آنان دوش بدوش مردان، ولی در زمینه عملی اجرای این تعالیم نیازمند زمان و مستلزم تکامل فکری انسان‌ها و تحوّل شرایط اجتماعی بود.

- یکی از نکاتی که حضرت عبدالبہاء بر آن تکیه دارند اینست که پیشرفت زنان و فعالیت‌های آنان نباید منجر به اختلاف با مردان گردد. تحوّل و تکامل باید به آرامی و از دو سو رخ دهد. در مکتوبی خطاب به یکی از بانوان فعال بهائی می‌نویسند:

"... تأسیس محفل اماء به جهت ترویج معارف بسیار موافق اما باید حصر در مذاکره معارف باشد زیرا باید نوعی نمود که اختلاف روز بروز زائل شود نه اینکه منتهی به آن شود که در میان رجال و نساء معاذ الله به مجادله انجامد مثل مسئله حجاب، بی حکمت سلوک ننمائید حضرات نساء باید الیوم به امری تشبث نمایند که سبب عزت ابدیّه عالم نساء گردد عالم نساء روشن شود..." (مکاتیب جلد ہفتم صفحه ۳۵)

حضرت عبدالبهاء از سوئی در مراسلات خود به تکرار عنوان می‌کنند که زنان مؤمن در این آئین حکم رجال را دارند. از سوی دیگر واضح می‌سازند که برای رسیدن به این مرحله باید راه درازی را پیمود و بی‌حکمتی رشته کار را می‌گسلد. این واقعیت را در همان نامه فوق چنین عنوان می‌کنند:

"... من در سعی و کوشش من که عالم نساء را به عون و عنایت جمال مبارک چنان ترقی دهم که کلّ حیران مانند یعنی در روحانیت و فضائل و کمالات انسانیت و معرفت. ممالک امریکا که مهد حریت نساء است هنوز نساء انجمن سیاسی ندارند زیرا به هم درمیافتند. هنوز در مجلس امت عضوی ندارند و همچنین جمال مبارک خطاب می‌فرمایند یا رجال بیت العدل. حال شما باید قدری سکون و قرار داشته باشید تا کار به حکمت پیش رود و الا چنان مغشوش و درهم شود که خود شما بگذارید و فرار نمائید. این طفل یک شبه ره صد ساله می‌رود..." (مکاتیب جلد هفتم صفحه ۳۶)

در ادامه از نامه فوق چنین برمی‌آید که مردان در زمینه تحصیل و تشکیل کلاس‌های بالای مدرسه دختران مخالفت نشان می‌داده‌اند و حضرت عبدالبهاء توصیه می‌فرمایند از اختلاف جلوگیری کرده و به آرامی به پیشرفت ادامه دهند:

"باری حال شما به روحانیت صرفه پردازید و با رجال اختلاف ننمائید عبدالبهاء جمیع امور را به حکمت ترتیب می‌دهد مطمئن باشید عاقبت خود شما خواهید گفت ما هذه الحکمة العظمی من از خود شما می‌خواهم که این اختلاف بین رجال و نساء را محو نمائید ملاحظه نمائید که کلاس هشتم مدرسه چگونه ترتیب شد باری از شما من منتظر آنم که خبر خوشی زود برسد." (مکاتیب جلد هفتم صفحه ۳۷)

مرحله چهارم: دوران حضرت ولیّ امرالله و شرکت زنان در تشکیلات

بهائی

حضرت ولیّ امرالله خط مشی حضرت عبدالبهاء را در تشویق و هدایت زنان در سراسر عالم بهائی که دائماً در حال توسعه بود ادامه می‌دهند. با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی هر جامعه. توقیعات ایشان خطاب به بهائیان ایران گواهی است بر این تحوّل گام به گام. هم‌زمان با شکل گرفتن حکومت‌های دموکراسی در غرب پس از جنگ جهانی اول و با استحکام بیشتری پس از جنگ جهانی دوم، محافل محلی و ملی بهائی نیز رفته رفته در نقاط مختلف گیتی تشکیل می‌گردید. با توجه به اینکه نظام بهائی که اساسش بر یک دموکراسی پیشرفته‌تر از نظام سیاسی بود و بُعد اخلاقی مردم‌سالاری را نیز در بر داشت، به همان گونه شرکت زنان نیز در تشکیلات بهائی در غرب شتاب بیشتری داشت.

حال می‌بایست احبائی که در شرق بودند و بدون استثنا در تحت حکومت‌های استبدادی و جوامع بشدت سنتی قرار داشتند نیز اصول دموکراتیک یعنی شرکت در انتخابات و چگونگی کار محافل و شرایط شور و مشورت را بیاموزند. واضح است که شرکت کامل زنان بهائی در این جوامع نیز می‌بایست مرحله به مرحله پیش رود. نحوه این پیشرفت را می‌توان در مراسلات حضرت ولی امرالله دنبال کرد. حدود دو سال پس از صعود حضرت عبدالبهاء در تاریخ اول ژانویه ۱۹۲۳ آن حضرت در نامه‌ای خطاب به اعضای محفل روحانی و "یاران الهی و اماءالرحمن در تمام صفحات ایران" بطور مفصل طرز انتخاب و روش کار محافل را شرح داده و نظر به موقعیت اجتماعی و رشد جامعه زنان می‌فرمایند:

"احباً باید اعتماد و ثقه تام به اعضای محترم محفل روحانی خویش داشته باشند و به تعاون و تعاضد قیام کنند و همچنین اعضای محفل شور باید به مصالح امریه عمومی ناظر باشند. ترویج مقاصد شخصی ننمایند و ناظر به افکار و امیال و مصالح خویش نگردند و چون مساوات حقوق رجال و نسا در این دور بدیع از تعالیم اساسیه است در حین انتخابات رجال و نسا از سن بیست و یک و ما فوق آن هر دو حق تصویت یعنی ابدای رأی در انتخابات دارند ولی مجبور به تصویت نیستند. اگر خود را آگاه و مطلع بر اوضاع امریه ندانند انتخاب نکنند و ابدای رای ننمایند و چون امر حجاب در شرق مانع است و معمول به، عجاله نسا از حق عضویت در محافل روحانی ممنوع و امید چنان است که این قدم اول که در میدان مساوات حقوق رجال و نسا برداشته شد سبب تشجیع و تحریرص اماءالرحمن در آن سامان گردد و به نهایت بهجت و حکمت و سعی و همت هر یک قیام بر ایفای وظائف خود نمایند و در معلومات امریه و اقدامات روحانیه مساوی رجال گردند" (توقیعات مبارکه ۱۹۲۶-۱۹۲۲: صفحه ۴۳)

در آخر همان سال در ۱۹ دسامبر ۱۹۲۳ در مورد شرکت بیشتر زنان چنین ابراز امیدواری می‌کنند:

"این عبد امیدوار است که در ایام رضوان چون انتخابات محافل روحانی تجدید گردد حضرات نسا که بر مجاری امور مطلعند در انتخابات اعضا شریک رجال گردند و آنانکه هنوز کما ینبغی و یلیق اطلاعی کافی حاصل ننموده بتمام قوی بکوشند تا کسب استعداد و اطلاع نموده به مرور ایام چون امر حجاب به تدریج و بحسب حکمت الهیه تخفیف یابد و از میان رود نسا و رجال هر دو در انتخاب و عضویت محافل روحانی شریک و سهم و معاون یکدیگر گردند." (توقیعات مبارکه ۱۹۲۶-۱۹۲۲، صفحه ۱۷۶)

سال‌ها پس از آن، بعد از خاتمه جنگ جهانی دوم، در توقیع خطاب به محفل ملی بهائیان ایران در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸ چنین می‌نگارند:

"اقدامات آن محفل مقدس راجع به ترویج مصالح اماء الرحمن در آن سامان علی‌الخصوص تهیه نقشه چهارساله و انعقاد انجمن شور روحانی اماء الرحمن شایان تقدیر و تمجید و دلیل قاطع بر علو همت و سمو نیت و حسن تدبیر و جدیت و متانت اعضای محترمه آن هیئت مجلله است. این مشروع خطیری نهایت مفید و از لوازم ضروریه جامعه در این ایام محسوب و مقدمه اعلان مساوات تامه رجال و نسا و اشتراک اماء الرحمن در عضویت محفل محلیه و محفل مقدس ملی در آن سامان من دون قید و شرط در آن اقلیم است. امید چنانست که پس از اتمام و انجام این نقشه و رفع موانع حالیه، این مقصد و مرام تحقق پذیرد و مساوات حقوق طرفین در جمیع شئون چه روحانی و چه اداری ثابت و مدلل گردد و نساء آن اقلیم اماء موقنات فخر رجال گردند و مانند خواهران روحانی در اقلیم غریبه به فتوحات عظیمه در داخل و خارج ایران در میدان تبلیغ موفق گردند و در اخلاق و رفتار و عفت و عصمت و شجاعت و شهامت ممتاز از دیگران گردند و علت انتباه جمهور نساء در آن اقلیم گردند." (توقیعات مبارکه ۱۹۴۸-۱۹۲۲، صفحه ۳۱۲)

در توقیع مفصل نروز سال ۱۹۵۴ حضرت ولی امرالله ضمن شرح اهداف نقشه ده ساله "اشتراک اماءالرحمن ایران در عضویت محافل روحانی ملی و محلی" را اعلام می‌کنند و در رضوان همان سال در تلگرافی خطاب به بیستمین انجمن شور روحانی ملی بهائیان ایران، اجرای آنرا تأکید می‌کنند. (توقیعات مبارکه ۱۹۵۷-۱۹۵۲، صفحه ۲۲). در انتخابات رضوان همان سال روح انگیز فتح اعظم و بهیه نادری به عنوان اولین زنان بهائی ایرانی به عضویت محفل روحانی طهران انتخاب می‌شوند و در سال‌های بعد طاهره رادپور (راسخ) در این محفل خدمت می‌کند. در همان رضوان ۱۹۵۴ میس آدلاید شارپ بعنوان اولین زن به عضویت محفل روحانی ملی ایران انتخاب می‌شود. میس شارپ از سال ۱۹۲۹ بنا به درخواست حضرت ولی امرالله جهت خدمت در مدرسه تربیت در ایران ساکن بود. بعدها خانم بهیه نادری و خانم‌های جوانتری چون دکتر مهتری راسخ (ارجمند) به عضویت محفل ملی مفتخر شدند. خانم بهیه نادری یکی از اعضاء نخستین محفل ملی بعد از انقلاب بود که همراه با اعضاء دیگر روبروده شد و به شهادت رسید. در دومین محفل ملی بعد از انقلاب نیز بانوی برجسته‌ای چون ژینوس نعمت محمودی عضویت داشت که ایشان هم با اعضاء دیگر آن محفل تاج شهادت بر سر نهاد.

مرحله پنجم: پیشرفت بسوی برابری کامل حقوقی

شرکت زنان در تشکیلات بهائی در دوران سلطنت سلسله پهلوی به علت باز شدن فضای اجتماعی، سریعتر از سابق به پیش رفت چنانکه هنگام شروع انقلاب اسلامی و تعطیل شدن تشکیلات بهائی، در اکثر محافل زنان شرکت داشتند.

با وجود آنکه زنان بهائی در برخی از نقاط جهان در بسیاری از زمینه‌ها به موفقیت‌های چشمگیری نائل شده‌اند اما در اکثر جوامع آسیائی و افریقائی مسئله تساوی زنان با مردان، به علت سنتی بودن جوامع و وجود رژیم‌های خودکامه، با موانع بسیاری روبه‌رو است و تا رسیدن به حد کمال راه درازی را در پیش دارد. در این جوامع با وجود آنکه تعلیم و تربیت دختران و زنان و مشارکت آنان مهمترین عامل پیشرفت است ولی اهمیت نقش مردان را نیز نباید نادیده گرفت. وقایع اخیر خاور میانه نشان می‌دهد که در این جوامع با مسئله تجدد و تحوّل چگونه با خشونت و سرسختی مبارزه میشود.

جامعه بهائی در ممالک شرق در مقایسه با سایر جوامع در موقعیت بهتری قرار دارد زیرا وجود ارزش‌های نوین و عدم مخالفت مردان و همکاری آنان عامل مؤثری در دستیابی به برابری کامل است. اقدامات مردان بفرموده حضرت ولی امرالله نقش مهمی در تحقق این وعده‌ی الهی که "زنان مؤمن در این آئین حکم رجال را دارند" ایفا می‌کند چنانچه می‌فرمایند:

"همچو یوم فیروز مبارکی خواهد رسید و اماءالرحمن در انجمن یاران ظهور و بروزی عجیب نمایند. حال وقت تهیه اسباب است و ایام ترقی نسا در کمالات صوری و معنوی مطمئن باشید که آنچه از قلم اعلی ثبت شده و از کلک میثاق نازل گشته حوادث زمان و شوون امکان و اجراءات و اقدامات رجال ارض به نحوی غیر مستقیم وسائل مکنونه غیبیه‌ای را متدرجاً محض اجرای نصوص الهیه چنان فراهم آرند که جمیع مبهوت و متعجب و متذکر گردیم. وقت اطمینان است و یوم یوم همت و جانفشانی. باید به اعمال پسندیده اوامر الهیه را اجرا نمائیم و توکل به حق کنیم تا آنچه را اراده فرموده من دون تأخیر تحقق یابد... (توقیعات مبارکه ۱۹۲۶-۱۹۲۲، صفحه ۱۷۶)

یادداشت‌ها

- ۱ - مقایسه شود با کتاب "حضرت طاهره" نگارش نصرت الله محمد حسینی، صفحه ۲۳۱
- ۲ - مراجعه شود به کتاب "قهرمانان عصر رسولی" نگارش هوشنگ گهرریز جلد اول صفحه ۱۰۰
- ۳ - در همان کتاب صفحه ۲۴۴
- ۴ - "نظم جهانی بهائی" صفحه ۵۵
- ۵ - "مائده آسمانی" جلد ۸ صفحه ۵۲

- ۶ - پیام ملکوت صفحه ۲۳۲
- ۷ - در همان کتاب صفحه ۲۳۱
- ۸ - مراجعه شود به کتاب "اختران تابان" نگارش فروغ ارباب در دو جلد و مقاله "نقش زنان در جامعه بهائی ایران در دوره قاجاریه" نگارش موژان مؤمن، ترجمه کیومرث مظلوم در پیام بهائی شماره های ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ در نوامبر و دسامبر ۲۰۰۳ و ژانویه ۲۰۰۴
- ۹ - مراجعه شود به کتاب "نقش بانوان در پیوند خاور و باختر" نگارش باهره راسخ